

## Structural Origins of the Academic Corruption in Higher Education in Iran

Keostan Mohammadian Sharif\*

Jamal Salimi\*\*

Nematollah Azizi \*\*\*

Shirkoh Mohammadi \*\*\*\*

### Introduction

Today, academic corruption has become a common phenomenon in developing countries and entails huge costs for higher education.

### Objective

The purpose of this study was to identify the structural origins of academic corruption in Iranian higher education.

### Method

The research approach was qualitative and the research method was grounded theory which emerging design was conducted. The research population included all higher education experts and university professors which a total of 15 of them were selected through theoretical purposive sampling method and based on theoretical saturation. Semi-structured interviews were used to collect research data. Thematic analysis was conducted to analyze the data. The obtained data were validated using the member checking method.

### Results

The findings showed that the origins of academic corruption include economic origins (such as, misallocation of financial resources, poor living conditions and welfare in the whole society as well as the community of

---

\* Ph.D. Student, Semnan University, Semnan, Iran.

\*\* Associate Professor, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

*Corresponding Author:* [j\\_salimi2003@yahoo.com](mailto:j_salimi2003@yahoo.com)

\*\*\* Professor, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

\*\*\*\* Assistant Professor, Semnan University, Semnan, Iran.

professors and academics), managerial origins (such as, lack and Weak meritocracy, Lack of adequate oversight of teachers' performance in the classroom), cultural origins (such as dominance of the culture of normalization of misconduct and corruption in the university, change in the attitude of the government to the issue of science and academia and knowledge), social origins (such as Student sociability, conditions outside the university) and political origins (such as the mass higher education, incorrect university policies, privatization). Finally, using the research findings, a model called the model of structural factors of academic corruption was presented.

### **Discussion**

The result indicates that weak structural origins cause to social crises. Therefore, anonymity of the structural factors will provide the ground for academic corruption.

**Keywords:** academic corruption - higher education.

---

**Author Contributions:** Keostan Mohammadian Sharif was responsible for leading the overall research process. Dr. Jamal Salimi was responsible for directing of research plan design, data collection and analysis. Dr. Nematollah Azizi was the first conselour of the dissertation and Dr. Shirkoh Mohammadi was the second conselour of the dissertation.

**Acknowledgments:** The authors thank all dear teachers who have helped us in this research.

**Conflicts of interest:** The authors declare there is no conflict of interest in this article.

**Funding:** This research is not sponsored by any institution and all costs have been borne by the authors

---

## ریشه‌های ساختاری وقوع فساد آکادمیک در آموزش عالی ایران

کوستان محمدیان شریف\*

جمال سلیمی\*\*

نعمت‌الله عزیزی\*\*\*

شیرکوه محمدی\*\*\*\*

### چکیده

امروزه فساد آکادمیک در کشورهای در حال توسعه به پدیده شایعی تبدیل شده و هزینه‌های هنگفتی برای آموزش عالی در بردارد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا ریشه‌های وقوع فساد آکادمیک را شناسایی کند. رویکرد پژوهش، کیفی و روش پژوهش نظریه داده بنیاد مبتنی بر طرح نوظهور بود. جامعه پژوهش شامل تمامی صاحب نظران آموزش عالی و اساتید دانشگاه‌های بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند نظری و بر مبنای اشباع نظری داده‌ها، تعداد ۱۵ نفر از آنها انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های پژوهش نیز از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. برای تحلیل داده‌های پژوهش نیز از تحلیل تم استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش بازخورد مشارکت کننده اعتباریابی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ریشه‌های فساد آکادمیک شامل ریشه‌های اقتصادی (مانند، تخصیص نادرست منابع مالی، وضع بد معیشتی و رفاهی در کل جامعه و همچنین جامعه اساتید و دانشگاهیان)، ریشه‌های مدیریتی (مانند، فقدان و ضعف شایسته‌سالاری نبود نظارت کافی بر عملکرد اساتید در کلاس درس)، ریشه‌های فرهنگی (غلبه فرهنگ مدرک‌گرایی، عادی شدن کج‌رفتاری و فساد در دانشگاه، تغییر در نوع نگرش حاکمیت به مسئله علم و آکادمیک و مسئله دانش)،

- این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری رشته برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی دانشگاه کردستان می‌باشد.

\* دانشجوی دکتری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

\*\* دانشیار، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

[j\\_salimi2003@yahoo.com](mailto:j_salimi2003@yahoo.com)

\*\*\* استاد، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

\*\*\*\* استادیار، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

ریشه‌های اجتماعی (نبود جامعه‌پذیری دانشجویان، شرایط بیرون از دانشگاه) و ریشه‌های سیاسی (مانند توده‌ای شدن آموزش عالی، سیاست‌گذاری‌های نادرست در دانشگاه، خصوصی‌سازی) می‌باشد و در آخر با استفاده از یافته‌های پژوهش، مدلی تحت عنوان مدل عوامل ساختاری وقوع فساد آکادمیک ارائه گردید. ریشه‌های ساختاری ضعیف، خود زمینه‌ساز بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی است. حال اگر این جامعه، جامعه دانشگاهی باشد، نابسامانی و سرگردانی و بی‌هویتی آن جامعه زمینه فساد آکادمیک را فراهم می‌کند.

### واژه‌های کلیدی: فساد آکادمیک – آموزش عالی

#### مقدمه

تعریف فساد مانند سایر مفاهیم اجتماعی، کاری سخت و دشوار است، همان‌طور که (Keller, 1978, 7) اشاره می‌کند که کلمه فساد به‌خودی‌خود می‌تواند تعاریف متفاوتی را در برداشته باشد و این باعث شده است که معنای واقعی و روشنی از فساد نداشته باشیم. برای بسیاری از اندیشمندان این حوزه، کلمه فساد مفهوم هنجاری و قانونی دارد بدان معنی که هرگونه تخطی از هنجارها، قانون‌ها و اخلاقیات که به نفع خود یا گروهی را فساد می‌نامند. در این زمینه Sanatoria (1931) فساد را "سوء استفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی" می‌داند. اساس این تعریف مبتنی بر مفهوم فساد به عنوان یک عمل پنهانی است. برخی دیگر از تعاریف فساد اداری را کنش احساسی، شخصی یا گروهی دانسته‌اند که افراد درگیر در آن درصدد تخطی از هنجارها و قوانین برای حفظ و تضمین خواسته‌ها و منافع خویش هستند (quoted by Abbaszadegan, 2015). چنین تعریفی نیز در تعریف فساد آکادمیک نیز مطرح می‌شود.

اندیشمندان حوزه فساد، فساد آکادمیک را شامل مجموعه فعالیت‌های خلاف قانونی دانسته‌اند که به طور مستقیم با فرایند علمی مربوط بوده و مواردی مانند تبعیض در روند گزینش، پذیرش، رتبه‌بندی، فارغ‌التحصیلی، اعطای مدارک تحصیلی، عدم مشاوره، تقلب، سرقت ادبی، سوء رفتارهای تحقیقی، جعل اطلاعات، مدرسان ظاهر فریب، تبعیض در استخدام و ترفیع را در بر می‌گیرد (Ospian, 2009 a). همچنین اوسپیان فساد در آموزش عالی را نظامی از روابط غیررسمی، که دسترسی غیرقانونی به دارایی مادی و غیرمادی برای سوء استفاده نمودن از اعتماد یک اداره‌ی دولتی یا خصوصی را تنظیم می‌کند تعریف کرده است (Ospian, 2009a). در واقع فساد در آموزش عالی را می‌توان عمده‌تاً حول تخطی از قوانین

آموزشی و هنجارهای علمی و اخلاقی حاکم بر محیط‌های آموزشی و سوء استفاده از قدرت آموزشی و پژوهشی برای منافع شخصی، گروهی، منافع سیاسی و ... تعریف کرد که پیامدهای مخرب گسترده‌ای دارد و منجر به آسیب دیدن سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد عمومی می‌شود. آنچه در آموزش عالی مبادله می‌شود، عمدتاً نمره، مدرک و اشکالی از تولید علم و ... است که تمام به شکل بالقوه توان تبدیل شدن به ثروت، قدرت و منزلت را دارند. بنابراین هنگامی که هر یک از کنشگران واجد قدرت با تخطی از هنجارهای حاکم بر نهاد علم به منظور کسب منافع شخصی از قدرتشان سوء استفاده کنند، فساد رخ داده است (Ospian, 2013 b).

برخی از اندیشمندان حوزه فساد آکادمیک گونه‌ها و دسته‌بندی‌های متفاوتی را از فساد آکادمیک ارائه کرده‌اند برای مثال Brockmaln (2009) سه مرحله از فساد در مؤسسات آموزش عالی را تفکیک و مجزا کرده است: ۱- در مرحله ورود ۲- در طول دوره زمانی تحصیل و مطالعه ۳- در طول مطالعات کارشناسی ارشد، کسب مدارک و عناوین علمی (quoted by Hosseini Hashemzadeh, 2019). مطالعات (Ospian 2009 b) نشان داد که فسادهای مختلفی در آموزش عالی وجود دارد مانند اختلاس، اخاذی، رشوه خواری، تقلب، پارتی‌بازی، خویشاوندگری، استثناء قائل شدن، رشوه خواری درصدی، تدریس خصوصی بدون مجوز، تقلب و خلاف‌کاری در پژوهش است. همچنین (Ghaedi 2018) در یک بررسی از گونه شناسی فساد دانشگاهی ۲۰ مقوله اصلی را شناسایی کردند، این مقوله‌ها بر اساس سطح وقوع (سطح خرد «سطح کلاس درس»؛ سطح میانه «سطح دانشگاه» و سطح کلان «سطح وزارتخانه»)، به عنوان گونه‌شناسی فساد دانشگاهی نمود پیدا کرد. پژوهش‌های گوناگونی نشان داده‌اند که فساد آکادمیک رشد و شیوع نگران‌کننده‌ای پیدا کرده‌اند برای مثال (Ospian 2013 a) در همین راستا پژوهشگران آموزش عالی را به بررسی کم و کیف فساد آکادمیک فرا خوانده است. (Rayess and Mansur 2016) نشان داده‌اند که فساد دانشگاهی در کشورهای در حال توسعه به یک مسئله جدی تبدیل شده است اما این مسئله درباره کشورهای توسعه یافته صدق نمی‌کند. آمارهای سازمان شفافیت بین‌المللی بر این دیدگاه صحنه می‌گذارد. چرا که در این آمارها کشورهای در حال توسعه، نرخ فساد بیشتری از کشورهای توسعه یافته را تجربه می‌کنند. آمار، اطلاعات و نتایج تحقیقات و نظرسنجی‌های بین‌المللی از جمله سازمان TI<sup>1</sup>

1- Transparency International

UNODC<sup>۱</sup> و بانک جهانی حاکی از آن است که کشور ایران همانند بسیاری از کشورهای اسلامی به رغم داشتن آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، ارزشی و اخلاقی در سطح گسترده‌ای به فساد از جمله فساد دانشگاهی آلوده شده است و در زمینه‌ی مقابله با فساد از رتبه و جایگاه مناسبی برخوردار نیست. بنا بر گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل میزان فساد در ایران، در بین ۱۸۰ کشور مطالعه شده، رتبه ۱۳۰ را به دست آورده است<sup>۲</sup>. البته باید خاطر نشان کرد که یکی از محدودیت‌های این آمار جهانی این است که فساد آکادمیک از سایر فسادهای اداری و سازمانی قابل تفکیک نیست. اما پژوهش‌های مختلفی نشان داده‌اند که فساد آکادمیک در ایران به پدیده شایعی تبدیل شده است و رشد نگران‌کننده‌ای پیدا کرده است (Ghaedi, 2018; Ghaedi, et al., 2018; Hosseini Hashemzadeh, 2018; Pourezat et al., 2012; Abbasi et al., 2015; Ajaghi et al., 2012). به طور کلی پژوهش‌های که تاکنون به مسئله فساد آکادمیک پرداخته‌اند را می‌توان به ۴ دسته کلی تقسیم‌بندی کرد. دسته اول پژوهش‌هایی هستند که به مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی فساد آکادمیک پرداخته‌اند (Ghaedi, 2018; Hosseini Hashemzadeh, 2018; Ospian, 2013 b)، دسته دوم پژوهش‌های هستند که به بررسی علل و زمینه‌ها و ریشه‌های فساد آکادمیک پرداخته‌اند (Pourezat, et al., 2012; Ospian, 2009 c; Henman, 2004)، دسته سوم پژوهش‌های هستند که مدل‌ها یا راهبردهای را برای مهار و کنترل فساد آکادمیک ارائه کرده‌اند (Chen & McFarlane, 2015) و در نهایت دسته چهارم پژوهش‌های هستند که با تکیه بر پیمایش‌های عددی و آماری به بررسی میزان شیوع فساد آکادمیک پرداخته‌اند (Hosseini Hashemzadeh, 2018). اگر تار و پود این پژوهش‌ها را بشکافیم درمی‌یابیم که فساد مقوله‌ای ساختاری است که به وسیله ساختارهای سیاسی و حقوقی ضعیف فرصت بروز پیدا می‌کنند. در همین راستا (Dong and Tangier (2013); Dridi (2014) و Otneho (2016) نشان داده‌اند که فساد مستخرج از یک چرخه ضعیف و ویرانگر از توسعه نیافتگی‌های نهادهای اجتماعی است. افزون بر آن سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ایران (2002) در گزارشی با عنوان "تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقای سلامت اداری" به شناسایی علل فساد اداری در کشور پرداخته است. این علل عبارتند از کلی و مبهم بودن قوانین، عدم تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی مندرج

1- United Nations Office on Drugs and Crime

2- <https://www.transparency.org/country/IRN>.

در قانون در موعد مقرر، مبهم بودن وضعیت شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و نیمه دولتی، عدم ضمانت اجرایی مبارزه با فساد، عدم هماهنگی‌های لام بین نهادهای اجتماعی برای مبارزه با فساد و عدم رعایت شایسته سالاری در انتخاب و انتصاب مدیران و ... این گزارش نیز به روشنی نشان می‌دهند که علل فساد اداری، عللی ساختاری و نهادی هستند و در نتیجه ضعف چنین ساختارهایی است که تلاش برای پیگیری خواسته‌های فردی به رفتار شایعی تبدیل می‌شوند. فساد آکادمیک نیز از این قاعده مستثنی نیست. پژوهش‌های گوناگونی نیز نشان داده‌اند که فساد آکادمیک نیز ریشه‌های ساختاری دارد ( Tyrni & Sabharwal, 2017, 35; Chen & McFarlane, 2015, 101; Ospian, 2007, 21; Torsello & Venard, 2015, 38; McCormack, 2012; 52; Hosseini Hashemzadeh, 2018; Ghaedi, 2018). در همین راستا نیز Heneman (2011) نشان داده است که ساختارهای ضعیف باعث افزایش فساد در آموزش عالی شده است. افزون بر این Rayess and Mansur (2016) نیز در پژوهش‌های خود نشان داده بودند که فساد آکادمیک بافت محور است و بدان دلیل بود که به مقایسه کشورهای توسعه یافته در و در حال توسعه می‌پرداختند با وجود این که پژوهش‌های گوناگونی به ساختاری بودن مقوله فساد آکادمیک پرداخته‌اند اما با توجه بودن بافت محور بودن این ساختارها ریشه‌های فساد آکادمیک هر جامعه باید در خود آن جامعه واکاوی و شناسایی شود با وجود انجام تحقیقات اندک در کشور ایران در رابطه با علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی هنوز به درستی ریشه‌های ساختاری وقوع فساد آکادمیک در ایران شناسایی نشده است افزون بر آن مشخص نیست که دقیقاً چه ساختارهای زمینه بروز فساد آکادمیک را فراهم می‌کند. با این اوصاف، پژوهش حاضر بر آن بود تا با تکیه بر رویکرد کیفی ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک در ایران را شناسایی و تبیین کند.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

امروزه نوع کارکردی که از نظام آموزش عالی دنبال می‌گردد می‌تواند اشکال مختلفی از توسعه را رقم زند. از این منظر، کارکردها و کارویژه‌های مورد انتظار از نظام‌های آموزشی به رویکردها، سیاست‌ها و نوع نگاهی که دولت‌ها در مورد آن اتخاذ نموده‌اند، پیوند خورده است (Khalafkhani, 2014). این که در تحولات و پدیده‌های اجتماعی نقش کنش‌گر مهم است یا

نقش ساختار، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد برخی صاحب‌نظران اعتقاد دارند کنشگر و فاعل نقش بسزاتری دارد و عده‌ای برخلاف دسته اول نقش ساختارها را با اهمیت‌تر قلمداد می‌کنند و معتقدند ساختارهای سیاسی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی مهم‌ترند ولی غالباً به تأثیر هر دوی این عوامل باور دارند. اما استفاده کارآمد از ظرفیت دانشگاهها و تحقق حداکثری اهداف تعریف شده برای آنها، مستلزم سیاست‌گذاری صحیح و مدبرانه می‌باشد (Ghaedi, 2018). در این زمینه باور روان‌شناسان ساختارگرا (برای مثال: Wetiz, 2004) بر این است که سوء رفتار یا فساد پدیده‌ای اجتماعی است که در بافت‌های گوناگون، شکل‌ها، کیفیت‌ها و انواع گوناگونی نمود پیدا می‌کند. بخش‌های از این بافت، بافت اجتماعی است که زمینه بروز سوء رفتار را فراهم می‌کند در سطح کلان، تبیین‌های سوء رفتار کلیت جامعه، بافت اجتماعی، بافت فرهنگی، بافت سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود (Aegeae, 2014). در واقع این کلان‌ترین سطح تحلیل فساد است چرا که سطح فردی و سطح سازمانی همگی در دل تفاوت‌های اجتماعی رقم می‌خورند.

بر همین اساس است که روان‌شناسان اجتماعی، به عنوان مثال اریک فروم نیز معتقد است که بسیاری از سوء رفتارها اگر چه ممکن است ریشه ذاتی و فردی داشته باشد اما در واقع این بسترهای اجتماعی است که اجازه می‌دهد که آن سوء رفتارها به منصفه ظهور برسند (Forum, 1996). در این باره نظریه‌های گوناگونی همانند نظریه‌های کارکردگرایی، برچسب‌زنی، انتقادی، کنترل و نظریه هزینه فایده مطرح شده است که تلاش دارند کج‌روی و فساد را در کلان‌ترین سطح خود مورد مطالعه قرار دهند و تبیین کنند. نظریه‌های کارکردگرا فساد و سوء رفتار را ناشی از تنش‌های ساختاری و نبود نظم و تربیت اخلاقی در جامعه می‌دانند. به اعتقاد آنها ساختارهای ناخودآگاه مردم را به تفکر و عمل وا می‌دارند (George Ritzier, 2001, 103). در این رابطه دورکیم با نشان دادن این که نیروهای اجتماعی چگونه بر نیروهای فردی غلبه کرده و در جهت‌گیری، تحت فشار قرار دادن، مهار، کنترل و اجتماعی کردن فرد نقش دارند این مسئله را روشن کرده است. دورکیم در نظریه آنومی خود به تبیین فساد از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخت او درباره رابطه میان انسان و نیازها و آرزوهایش بحث می‌کند و بر این باور است که در شرایط اجتماعی استوار و پایدار، آرزوهای انسان از طریق هنجارها، تنظیم و محدود می‌شود و با از هم‌پاشیدگی هنجارها (و لذا از بین رفتن کنترل آرزوها) یک وضعیت



آرزوهای بی‌حد و حصر یا آنومی<sup>۱</sup> بوجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد و حصر، نمی‌توانند ارضا شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید. سپس این نارضایتی، در جریان‌های اقدامات منفی نظیر اختلاس، رشوه‌گیری، دزدی، تبارگماری ... ظاهر می‌گردد (Robert Stoner, 2012). همچنین نظریه‌پرداز ساختارگرای دیگر، Robert Merten (2012) از رهیافت ساختاری آشکارا پشتیبانی کرده است. مرتن اصولاً خواستار آن است که در یک کار ساختاری بر پیوند میان سطح فردی و سطح اجتماعی تأکید شود، اما در ضمن یادآور می‌شود که این ساختار اجتماعی است که گزینه‌های فردی را ساختار می‌بخشد. برای مثال او درباره کجروی می‌گوید که این ساختار اجتماعی است که نرخ‌های گوناگون رفتار کجرو را مشخص می‌سازد او در نظریه فشار ساختاری خود رفتارهای انحرافی یا فساد را نتیجه فشارهای جامعه می‌داند که بعضی مردم را وادار به کجروی می‌کند (George Ritzier, 2001, 565). برخی از جامعه‌شناسان بر این، عقیده‌اند که شرایط اجتماعی امروز کشورهای در حال توسعه (در حال‌گذار) از جمله ایران نیز در گذار از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن هستند و با فسادهای شدید اقتصادی و اجتماعی رو به رو می‌باشند. با این مفهوم آنومی (فشارهای ساختاری) قابل تبیین است (Farjad, 1993 & Sotoudeh, 2017). همچنین نظریه کنترل اجتماعی "به ساخت کارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش با سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد" به بیان دیگر، کنترل اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوسی که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموعه مواعی که به قصد جلوگیری افراد از فساد و سوء رفتارهای اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد گفته می‌شود. و بالاخره کنترل اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادینی دانست که در اختیار جامعه قرار دارد و برای حصول اطمینان از هم‌نوایی رفتاری اعضای خود با اصول و مقرراتی از پیش تعیین شده و مورد تأیید، از آن استفاده می‌کند (Sotoudeh, 2017). با توجه به نظریات یاد شده باید توجه داشت که بستر فرهنگی و نهادی، قوانین اجتماعی را جهت شکل دادن به اقدامات اجتماعی دانشگاهیان، بوجود آورده‌اند که فراتر از قدرت و فرهنگ آکادمیک و علمی است. اگر چه عاملیت فردی دانشگاهیان در پرهیز از فساد علمی

۱. جامعه‌شناسان (Anomie) را به وضعیت مغشوش و درهمی می‌گویند که افراد جامعه قادر نباشند بر اساس هنجارهای مشترک با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را برطرف سازند.

انکارناپذیر است، اما زمینه‌های فرهنگی و نهادی را نباید دست کم گرفت (Chen & McFarlane, 2015). از طرفی با بررسی سیاست‌های نظام آموزش عالی در کشور، دیده می‌شود که این سیاست‌ها نوعاً و در مجموع از منطق موجه و پایداری تبعیت نمی‌کنند و فاقد خصیصه‌های بایسته‌ای هستند که معمولاً از یک نظام سیاستی انتظار می‌رود؛ همانند: سنت نظری قابل دفاع، نیکویی برآزش، سازگاری خلاق با تحولات محیط جهانی و بین‌المللی، ظرفیت پیش‌بینی رفتار کنشگران، پیوستگی، یکپارچگی، قابلیت اجرایی، کارآمدی، اثربخشی، عناصر اخلاقی، توانایی حل رضایتبخش تعارض‌ها، تولید توافق و کیفیت و تأثیر مطلوب اجتماعی (Faraskhah, 2013). یکی از دلایل آن، چیرگی چارچوب‌های تمرکزگرا در سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام علمی کشور است که مجال برای رشد و توسعه و ایفای نقش نهادهای غیر دولتی و حرفه‌ای علم و مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های کلان و عمومی مربوط به نظام علمی با هدف توسعه و بهبود کیفیت باقی نمی‌گذارند (Faraskhah & Ghanierad, 2010). چرا که قدرت مناسب و مشروع برای راهبری آموزش عالی قدرت شناختی و علمی - تخصصی و خبرگی حرفه‌ای است و نه قدرت سیاسی و سلسله‌مراتبی (Faraskhah & Maniei, 2015). بنا به پاره‌ای مطالعات و مستندات و شواهد، بخش بزرگی از مسائل دانشگاهی در ایران، از کاستی‌ها و ناراستی‌های سیاستی کلان نشأت گرفته‌اند. مسائلی همچون ضعف استقلال و قدرت ابتکار در دانشگاه‌های ایران (Soodagar & Pourazat, 2012)، مدرک‌گرایی، عرضه‌گرایی، بی‌تناسبی برنامه‌ها و آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای واقعی جامعه و بازار کار و جهان زندگی، درماندگی آنها از پرورش توانایی‌های ساختن دانش، تفکر انتقادی، خلاقیت و کارافرینی، رشد کمی بدور از حداقل ضابطه و معیارهای کیفی، موانع رشد و بالندگی هیأت علمی، عدم توسعه مطلوب همکاری‌های بین‌المللی و مانند آن از آثار و تبعات سیاست‌های آموزش عالی ایران محسوب می‌شوند (Faraskhah, 2017).

در مجموع نگاه ساختارگرایی منعکس‌کننده این دیدگاه است که ناهماهنگی‌های ساختارهای یک اجتماع می‌تواند زمینه فساد باشد. در واقع ساختارهای اجتماعی بر فراگردهای اجتماعی تأثیر می‌گذارند و همین فراگردها نیز به نوبه خود رفتار فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (George Ritzier, 2001, 566). با این اوصاف فساد آکادمیک از این قاعده مستثنی نیست. به‌طور که ناکارآمدی ساختارهای جامعه و دانشگاه با یکدیگر می‌تواند بستری برای

فساد ایجاد کنند. برای مثال زمانی که ساختارهای مدیریتی دانشگاه‌ها مبتنی بر تخصص و شایسته‌سالاری نباشد ممکن است سیاست‌های دانشگاهی نیز غیرتخصص و ناکارآمد اتخاذ شود. به عبارتی تصمیماتی اتخاذ شود که هماهنگ یا واقعیت‌های اجتماعی و علمی دانشگاه‌ها نیست در چنین شرایطی اعضای هیأت علمی برای جبران این شکاف ممکن است دست به فساد آکادمیک بزنند. از بین پژوهش‌هایی که قبلاً در ایران و خارج انجام گرفته است چند پژوهشی است که به علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی پرداخته‌اند یکی از این پژوهش‌ها (Henman, 2004) که با استفاده از رویکرد آمیخته در میان دانشجویان و اساتید کشور آمریکا انجام شد، نشان داد که علل و زمینه‌های وقوع فساد را می‌توان در ساختارها دانست. Aajghi, et al. (2011) در پژوهشی دیگر با رویکرد کیفی به بررسی عامل‌های فساد دانشگاهی در ایران پرداختند که در این پژوهش عامل‌های درونی و بیرونی دانشگاه مهم‌ترین عوامل فساد نشان داده شد. (Pourezzat, et al. 2012) هم در یک پژوهشی کیفی، در بررسی شناسایی عوامل اصلی بر فساد دانشگاهی ساختار نامناسب دانشگاهی و ضعف شخصیتی فرد دانشگاهی را نشان دادند. (Zamani et al. 2013) در یک پژوهشی با رویکرد کمی، عامل‌های محیطی را در وقوع فساد آکادمیک در ایران حساب دانست. همچنین (Torsello and Venard 2015) در پژوهشی با رویکرد کیفی نشان داد که مسائل اخلاقی و فردی در وقوع فساد آموزش عالی ایتالیا می‌تواند مهم‌ترین عامل فساد باشد. (Abbasi et al. 2015) در پژوهشی با رویکرد کمی مهم‌ترین عامل فساد و سرقت علمی در آموزش عالی ایران را عامل‌های فردی شناسایی کردند. در پژوهشی دیگر که با رویکرد کیفی توسط (Nasari and Fathi 2016) مهم‌ترین عامل و علل سرقت علمی را عامل‌های محیطی و فردی دانستند. همچنین پژوهش، Tyranny and Sabaharwal (2017) که با رویکرد کیفی بود مهم‌ترین دلایل و علل وقوع فساد آکادمیک در هند را در عامل‌های ساختاری دانست. همچنین (Ghaedi et al. 2018) در پژوهش خود با رویکرد آمیخته از علل و زمینه‌های اصلی وقوع فساد آکادمیک را در رویکرد سیاست‌گذاری در آموزش عالی دانستند.

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر بر آن بود تا ریشه‌های ساختاری وقوع فساد آکادمیک را واکاوی کند. نظر

به ارتباط ملموس صاحب نظران و اساتید دانشگاه با فرایند و سازوکارهای دانشگاهی و نگاه تخصصی آنها به ریشه‌های ساختاری فساد، تلاش شد تا دیدگاه و نقطه نظرات آنها نیک بررسی و تحلیل شوند. به این ترتیب، بنای فلسفی پژوهش حاضر منعکس‌کننده پارادایم تفسیری است که واقعیت را برساختی اجتماعی و انسانی می‌داند و هم بدان دلیل است که درک دیدگاه‌ها و تفسیرهای کنشگران از اهمیت شایسته‌ای برخوردار است (Cresswell, 2012, 2014). این پارادایم بر روش کیفی تکیه دارد تا بر اساس تجربه‌های مستقیم و تفسیری افراد را نیک شناسایی کند. بدین ترتیب رویکرد پژوهش حاضر نیز کیفی بر روش نظریه داده بنیاد از نوع نوظهور<sup>۱</sup> بود. پژوهش داده بنیاد یک رویکرد کیفی است که تلاش دارد نظریه‌ای یا مدل نظری ارائه دهد که یک فرایند، تعامل یا کنش اجتماعی را تبیین کند (Cresol, 2012, 423). یکی از طرح‌های داده بنیاد طرح‌های نوظهور هستند این طرح‌ها بر این باور هستند پژوهشگران کیفی باید از دل داده‌ها خود، تم‌ها، مقوله‌ها و کدهای باز و محوری را استخراج کنند. این طرح‌ها به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا بدون محدود کردن دیدگاه خود به طرح‌های شماتیک از پیش تعیین شده‌ای، به واکاوی دقیق و ژرف، فرایندها و جریان‌های مورد مطالعه خود بپردازند (Cresol, 2012, 423). قلمرو تحقیق این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن شامل صاحب‌نظران و اساتید آموزش عالی ایران هستند.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری تحقیقات کیفی می‌باشد و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند نظری و شاخص اشباع نظری نسبت به نمونه‌گیری از مشارکت‌کنندگان پژوهش اقدام شد. در روش نمونه‌گیری هدفمند نظری پژوهشگر به انتخاب افراد یا مجموعه‌های می‌پردازد که دیدگاه‌ها، تجربه‌ها و یا نگرش‌های آنها می‌تواند به تولید یک نظریه یا درک کم و کیف یک مفهوم کمک کند (Cresswell, 2012, 208). در این پژوهش از افراد صاحب‌نظر در حوزه آموزش عالی نمونه‌گیری به عمل آمد دلیل این انتخاب آن بود که آنها دارای دانش و تجربه کافی درباره ساز و کارها عملکردها و فرایندهای نظام آموزش عالی بودند که با تکیه بر آن می‌توان به درک کم‌وکیف فساد آکادمیک پرداخت. به این منظور، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند نظری، ۱۵ نفر از

---

1- Emergent

صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه‌های ایران شناسایی و مورد مصاحبه قرار گرفتند. که از مصاحبه ۱۳ به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شده است؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه پانزدهم ادامه یافت. در ادامه در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه مصاحبه شونده ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان صاحب تجربه کار در آموزش عالی

Table 1. characteristics of participants with work experience in higher education.

مرتبۀ علمی Academic Rank	رشته تحصیلی Field of Study	جنسیت Gender	کد مصاحبه شونده Interviewer code
مدرس دانشگاه (پژوهشگر حوزه فساد)	مدیریت- سیاست‌گذاری علم و فناوری	زن	۱
دانشیار (پژوهشگر حوزه فساد)	انسان‌شناسی اجتماعی	مرد	۲
همکاران مرکز پژوهش کاربردی استادیار	پژوهشگر حوزه مطالعات سلامت دانشگاهی و مقابله با فساد	مرد	۳
دانشیار (پژوهشگر حوزه فساد)	جامعه‌شناسی	مرد	۴
دانشیار (پژوهشگر حوزه فساد)	جامعه‌شناسی	مرد	۵
دانشیار (رئیس دانشکده)	مدیریت آموزشی	مرد	۶
استاد تمام (پژوهشگر حوزه فساد)	علوم سیاسی	مرد	۷
دانشیار (معاونت آموزشی)	روان‌سنجی	مرد	۸
استاد تمام (رئیس انجمن آموزش عالی ایران)	مدیریت منابع انسانی دانشگاه	مرد	۹
دانشیار	برنامه‌ریزی آموزش عالی	زن	۱۰
استاد تمام (معاونت آموزشی)	دکترای شیمی	مرد	۱۱
استاد تمام	دکترای مدیریت خط مشی گذاری دانشگاه	مرد	۱۲
دانشیار پایه ۳۳	دکترای حقوق اسلامی	مرد	۱۳
استادیار	جامعه‌شناسی	مرد	۱۴
دانشیار	جامعه‌شناسی	مرد	۱۵

در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. مصاحبه‌ها به گونه‌ای بود که مصاحبه‌شونده با سؤالات در ارتباط با موضوع پژوهش مواجه می‌شد و بدون هیچگونه محدودیتی، از نظر چارچوب فکری، دیدگاه‌های خود را بیان می‌نمود. پروتکل مصاحبه شامل چند سؤال کلی بود تا بدان طریق بتوان داده‌های پژوهش را پیگیری نمود. در جدول ۲ سؤالات مصاحبه ارائه شده‌اند. تمامی مصاحبه‌ها ضبط و برای استخراج نکات کلیدی چندین بار مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۲. پروتکل مصاحبه نیمه ساختار یافته Table 2: Semi-structured interview protocol

پروتکل مصاحبه (سؤالات مصاحبه)

Interview protocol (interview questions)

۱- از نظر شما فساد آکادمیک چگونه اتفاق می‌افتد؟

۲- چه ساختارها و نیروهای زمینه ساز این فساد هستند؟

برای اعتباریابی داده‌های کیفی نیز از بازخورد مشارکت کننده به دو صورت انجام شد. اول، در جریان مصاحبه تمامی برداشت‌های محقق از بیانات و دیدگاه‌های مصاحبه شونده به مصاحبه شونده داده می‌شد و از او خواسته می‌شد صحت یا کج فهمی به وجود آمده را تأیید و یا اصلاح کند. دوم و بعد از کدگذاری باز و محوری اولیه داده‌ها از چند نفر از همان مصاحبه شونده‌هایی که در پژوهش حاضر شرکت داشتند خواسته شد تا صحت کدها و مقوله‌های استخراج شده را بازبینی و بررسی کنند. به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از تحلیل تم استفاده شد. ابتدا تمامی علل فساد آکادمیک از مصاحبه‌های انجام شده، کد گذاری باز شدند که در این فرایند ۲۸۳ کد باز استخراج شد، سپس بعد از حذف موارد زائد و تکراری و همچنین تلخیص و کاهش داده‌ها ۶ مقوله اصلی استخراج شدند که همگی آنها در راستای تم اصلی پژوهش، یعنی ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک بودند.

یافته‌ها

پژوهش حاضر بر این است که با استفاده از نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش، ریشه‌های ساختاری وقوع فساد آکادمیک در آموزش عالی ایران را بررسی کند. که در ادامه در جدول ۳ یافته‌های حاصل از پژوهش آمده است.

جدول ۳. کدها و تم‌های ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک

Table 3: Codes and themes of the structural origins of academic corruption

تم Theme	کد محوری Axial code	نمونه کدهای باز استخراج شده Samples of open codes
ریشه‌های سیاست و قدرت	ریشه‌های سیاست گذاری دانشگاهی	تأثیر مخارب مسائل سیاسی و اعمال نفوذ سیاسی در دانشگاه‌ها - به وجود آمدن مفهوم زد و بند به جای نقد و بررسی - به وجود آمدن حلقه‌های قدرت و ثروت - به وجود آمدن حلقه‌های ارتباطات - بستر زد و بند در دانشگاه‌ها - اساس‌نامه‌های ارتقاء بر اساس زد و بند نه منطبق بر اجتماعات علمی - سیاست زده شدن دانشگاه‌ها - دخالت شورای عالی انقلاب فرهنگی در ساز و کار دانشگاه
ریشه‌های سیاست گذاری دانشگاهی	ریشه‌های اقتصادی	سیاست‌گذاری‌های نادرست در دانشگاه - توده‌ای شدن آموزش عالی - سیاست کمیت‌گرایی در آموزش عالی - گسترش بدون برنامه و بی‌رویه آموزش عالی و تکثیر دانشگاه - فقدان استقلال دانشگاه‌ها - نبودن سیاست‌های توسعه‌گرا - خصوصی‌سازی.
ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک	ریشه‌های مدیریتی	کاهش اعتبارات دانشگاهی - وضعیت اقتصادی فرد - تخصیص نادرست منابع مالی - جبران کمبود بودجه دانشگاهی از منابع دیگر از جمله دانشجویان پردیس و شبانه.
ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک	ریشه‌های مدیریتی	پاسخگو نبودن نهادهای دانشگاهی - نبودن قانون استاندارد در مورد جذب اساتید هیات علمی - سهمیه‌های خاص در جذب دانشجویان یا استاد هیات علمی برای گروه خاصی - فقدان و ضعف شایسته‌سالاری - نبود نظارت کافی بر عملکرد اساتید در کلاس درس - نبود نظام خودکنترلی در دانشگاه‌ها.
ریشه‌های فرهنگی	ریشه‌های فرهنگی	حاکمیت فرهنگ تجاری شدن و سودآوری دانشگاه‌ها - غلبه فرهنگ مدرک‌گرایی - احترام کم گذاشتن به کنشگران دانشگاهی - عادی شدن کج‌رفتاری و فساد در دانشگاه - نبود فرهنگ تخصص‌گرایی در پژوهش - عدم فرهنگ غلط ارتقاء در دانشگاه میان استادان - گرایش به عنوان‌دانشیاری نه توسعه دانش - رایج شدن و عادی شدن داده سازی و عدد سازی - رایج شدن و عادی شدن داده ترجمه متون و مقالات خارجی - رایج شدن و عادی شدن داده سرقت علمی و کپی پایان‌نامه‌های خارجی و داخلی.
ریشه‌های اجتماعی	ریشه‌های اجتماعی	شرایط بیرون از دانشگاه - نبود جامعه‌پذیری دانشجویان - ازدحام جمعیت - عقب‌افتاده بودن جامعه‌پذیری دانشجویان .

الگوی مفهومی و چارچوب نظری می‌تواند به فهم و درک بهتر فساد آکادمیک کمک کند لذا می‌توان ریشه‌های ساختاری برای وقوع پدیده فساد آکادمیک در آموزش عالی را در یک

الگو تلفیق و طبقه‌بندی کرد. در نتیجه برای کارایی و اثربخشی‌سازی دانشگاه‌ها، سیاست‌گذاران و متصدیان آموزش عالی باید بر مبنای مسئولیت خود باید ریشه‌های ساختاری وقوع این فساد را در نظر بگیرند باشد که گامی کوچک برای کاهش سطح فساد در دانشگاه‌ها و آموزش عالی برداشته شود. با در نظر گرفتن تمام کدهای فرعی و اصلی در جدول بالا الگوی مفهومی که در شکل ۱ ارائه شده است، طراحی شد. ذیلاً هر کدام از علل و سازوکارهای این الگو توضیح داده می‌شوند.



شکل ۱. الگوی ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک در آموزش عالی ایران

Figure 1. A model of Structural origins of academic corruption in Iranian higher education

### ریشه‌های ساختاری وقوع فساد آکادمیک

همان‌گونه که در الگوی شکل ۱ دیده می‌شود، عنصر اصلی این الگو شامل مورد زیر است که در زیر توضیح داده شده است.

**ریشه‌های سیاست و قدرت:** شامل هرگونه سوءاستفاده از قدرت و روابط سیاسی درون دانشگاهی و خارج دانشگاهی که سازو کارهای دانشگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه‌ای برای وقوع فساد می‌شود. از جمله عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل دخالت شورای عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌گذاری دانشگاه - قدرت زیاد در یک نهاد- سیاست زده شدن دانشگاه‌ها- تأثیر مخرب مسائل سیاسی و اعمال نفوذ سیاسی در دانشگاه‌ها می‌باشد.

**ریشه‌های سیاست‌گذاری در دانشگاه:** به عدم رعایت اصول، اسلوب‌ها و چارچوب‌های سیاست‌گذاری دانشگاهی دلالت دارد که شامل عواملی چون سیاست‌گذاری‌های نادرست در دانشگاه- توده‌ای شدن آموزش عالی- گسترش بدون برنامه و بی‌رویه آموزش عالی و تکثر



دانشگاه- نبودن سیاست‌های توسعه‌گرا- خصوصی‌سازی می‌باشد.

**ریشه‌های اقتصادی:** ساختارهای اقتصادی، انگاره‌های مالی و پولی و بودجه‌ای و عرضه و تقاضاهای مادی بین عناصر دانشگاهی می‌باشد که زمینه و علل فساد در دانشگاه را ایجاد می‌کند. از جمله عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل کاهش اعتبارات دانشگاهی- وضعیت اقتصادی فرد- تخصیص نادرست منابع مالی- از منابع دیگر از جمله دانشجویان پردیس و شبانه می‌باشد.

**ریشه‌های مدیریتی:** شامل ضعف در تمامی سازو کارهای تصمیم‌گیری‌های دانشگاهی (نه استراتژیک) در سطح خرد و همچنین اجرای آن تصمیمات می‌باشد که برای هماهنگی امور اجرایی دانشگاه اتخاذ و اجرا می‌شود و زمینه فساد در دانشگاه را فراهم می‌کند. از جمله عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل: پاسخگو نبودن نهادهای دانشگاهی - نبودن قانون استاندارد در مورد جذب اساتید هیأت علمی - سهمیه‌های خاص در جذب دانشجو یا استاد هیأت علمی برای گروه خاصی - فقدان و ضعف شایسته‌سالاری - نبود نظارت کافی بر عملکرد اساتید در کلاس درس - نبود نظام خودکنترلی در دانشگاه‌ها می‌باشد.

**ریشه‌های اجتماعی:** عوامل اجتماعی شامل ماهیت طبقات جامعه و ساخت اجتماعی آن و ترکیب جمعیتی و عوامل نظیر آن می‌باشد که می‌توانند مکانیسم‌های دانشگاهی را تحت تأثیر قرار دهد. از جمله عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل شرایط بیرون از دانشگاه - نبود جامعه‌پذیری دانش‌جویان - ازدحام جمعیت - ریشه در سازوکارهای غلط محیط زیستی - ساختارهای اجتماعی نادرست - دلایل محیطی و اجتماعی ضعیف می‌باشد.

**ریشه‌های فرهنگی:** عوامل فرهنگی شامل تمامی الگوهای منشی، رفتاری، نگرشی و در مجموع کنش‌های جمعی است که به شکل مداوم در کنشگران دیده می‌شود و نمود پیدا می‌کند و تبدیل به یک سنت هنجاری خاص شده است. از جمله علل و عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل حاکمیت فرهنگ تجاری شدن و سودآوری دانشگاه‌ها- غلبه فرهنگ مدرک‌گرایی - فرهنگ و ارزش حاکم بر جامعه برای دکتر گفتن به افراد- احترام کم گذاشتن به کنشگران دانشگاهی - عادی شدن کج‌رفتاری و

فساد در دانشگاه - نبود فرهنگ تخصص‌گرایی در پژوهش - عدم حساسیت عمومی نسبت به فساد و همه‌گیری و عادی‌سازی این مقوله و بسنده کردن به حمایت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی از اقدامات ضد فساد - فرهنگ غلط ارتقاء در دانشگاه میان استادان - فرهنگ بها دادن به مدرک و ارتقاء و سطح استاد تمام و دانشیاری می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیتی که پژوهش‌های متعددی به بافت و ساختار می‌دهند پژوهش حاضر بر آن شد تا به شناسایی و واکاوی ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک بپردازد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک در دانشگاه‌های ایرانی شامل ریشه‌های سیاست و قدرت، ریشه‌های سیاست‌گذاری در دانشگاه، ریشه‌های مدیریتی، ریشه‌های اقتصادی، ریشه‌های فرهنگی و ریشه‌های اجتماعی است. از بین پژوهش‌هایی که قبلاً در ایران و خارج انجام گرفته است و با پژوهش حاضر می‌تواند همخوان باشد، چند پژوهشی است که به علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی پرداخته‌اند. یکی از این پژوهش‌ها، پژوهش (Tyrrenian and Subarhal (2017) مهم‌ترین دلایل و علل وقوع فساد آکادمیک را در عامل‌های فرهنگی و اقتصادی دانست. او در پژوهش خود نشان داد عادی شدن و مبتذل شدن فساد در بین کنشگران مهم‌ترین ریشه فساد آکادمیک است. در پژوهشی دیگر (Henman (2004) در مطالعات خود نشان داد که علل و زمینه‌های وقوع فساد را می‌توان در ساختارهای آموزشی، فرایندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری دانست و (Zamani et al. (2013) عامل‌های فرهنگی و اجتماعی، عامل‌های اصلی وقوع فساد حساب می‌شوند. در پژوهشی دیگر (Naseri and Fathi (2016) مهم‌ترین عامل و علل سرقت علمی را عامل‌های محیطی دانستند و همچنین (Ghaedi et al. (2018) از علل و زمینه‌های اصلی وقوع فساد آکادمیک را در رویکرد مدیریتی و سیاست‌گذاری در آموزش عالی دانستند. (Ajaghi et al. (2011) در پژوهشی دیگر به بررسی عامل‌های فساد دانشگاهی پرداختند که در این پژوهش عامل‌های درونی و بیرونی دانشگاه مهم‌ترین عوامل فساد نشان داده شد. (Pourezat et al. (2012) هم در بررسی شناسایی عوامل اصلی بر فساد دانشگاهی ساختار نامناسب دانشگاهی را نشان دادند. البته پژوهش‌هایی نیز به یافته‌های متناقض و ناهمخوان با یافته‌های پژوهش حاضر

Torsello and Venard (2015); Naseri and Fathi، شامل پژوهش‌های، (2016); Pourezat et al. (2012); Abbasi et al. (2015) بود که همگی نشان داده بودند که مهم‌ترین عامل فساد دانشگاهی، عامل‌های فردی هستند. دلیل ناهمخوانی این پژوهش‌ها این بود که این پژوهش‌ها عامل‌های فردی وقوع فساد آکادمیک را بررسی کرده است. چرا که اگر نگاهی تأمل‌برانگیز بر این مسئله داشته باشیم مشخص می‌شود که تفاوت در بافت اجتماعی است که تفاوت در فساد را رقم می‌زند و عوامل فردی نقش کم‌رنگ‌تری را ایفا می‌کنند. در این رابطه می‌توان از فشار ساختاری (Merten Cited in Giddens (2020 صحبت کرد او در نظریه ساختاری خود بر این باور است که فشاری از طرف ساختار بر فرد وارد می‌شود و فرد را وادار به فساد می‌کند. برای مثال وقتی اساتید برای ارتقاء خود در سال به دو مقاله پژوهشی نیاز دارند که یک نوع فشار محیطی است استاد دست به هر نوع سوء رفتار علمی می‌زند که به ارتقاء لازم دست پیدا کند. بیشتر در مقایسه‌ی دانشگاه‌های جوامع توسعه یافته و در حال توسعه، توضیح داده شد که دانشگاه‌های جوامع توسعه یافته به دلیل وجود ساختارهایی که چارچوب‌ها و چفت و بست‌های مستحکمی ایجاد می‌کنند، فساد دانشگاهی کمتری را تجربه می‌کنند. در واقع، وجود آن ساختارها، هویت و استاندارد مشخصی برای آن دانشگاه‌ها ایجاد می‌کند اما در دانشگاه‌های جوامع در حال توسعه، اتفاقاً این ساختارها و چارچوب‌ها ضعیف عمل می‌کنند و قدرت محدود کردن و دربند کردن رفتارهای فسادگونه را ندارند. چنین وضعیتی را جامعه‌شناسان کارکردگرا، آنومی یا نابسامانی می‌گویند. به باور این جامعه‌شناسان، آنومی، خود زمینه‌ساز بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی است. حال اگر این جامعه، جامعه دانشگاهی باشد، نابسامانی و سرگردانی و بی‌هویتی آن جامعه زمینه فساد آکادمیک را فراهم می‌کند. این در حالی است که جوامع دانشگاهی دیرپا که از گذشته سنت و هویت دانشگاهی مشخصی را دنبال کرده‌اند، کمتر دچار فساد آکادمیک شده‌اند، شاید بدین دلیل نیز است که دانشگاهی به نام و مشهوری که سابقه چند صد ساله دارند، نه تنها فساد آکادمیک در آن دانشگاه‌ها شیوع نگران‌کننده پیدا کرده است، بلکه خود در مبارزه و کنترل آن فساد پیش‌تاز بوده‌اند. برای مثال، این دانشگاه‌های دیرپا و با هویت هستند که قوانینی در مبارزه با جذب خودی‌های دانشگاهی وضع کرده‌اند (Nazarzadeh Zare, Mohammadi 2021). اما دانشگاه‌های نوپا و اغلب بی‌هویتی که سنت فکری و

دانشگاهی خاص خود را دنبال نمی‌کنند دچار آن نوع انومی شده‌اند که جامعه شناسان کارگردگرا به تبیین آن پرداخته‌اند. بدان دلیل فساد آکادمیک نیز در این دانشگاه‌ها شیوع نگران‌کننده پیدامی‌کند که سنت فکری یا هویت آکادمیک خاص در این دانشگاه‌ها وجود ندارد که میزان و ملاکی برای کنشگران دانشگاهی ایجاد کند و یا چارچوبی برای اعتبار بخشیدن به فعالیت علمی و پاسخگو نگه داشتن دانشگاهیان به آن هویت وجود ندارد. این بی‌هویتی دانشگاه نشان از ضعف ریشه‌های ساختاری آن جامعه است که خودبه‌خود بر آموزش عالی و دانشگاه تأثیر می‌گذارد و زمینه‌ساز انواع فسادهای آکادمیک می‌شود. این در حالی است که بسیاری از دانشگاه‌های ایرانی، هویت مشخصی را دنبال نمی‌کند و اگر هم تعهدی در برخی از اساتید و کنشگران دانشگاهی دیده می‌شود، برآمده از تعهدات و اخلاقیات شخصی آن‌ها است و نه آن که جذابیت‌ها و مشوق‌هایی برای رعایت اصول اخلاقی در محیط دانشگاهی نهادینه شده باشد و چنان سنتی دیر پا، ریشه دوانده باشد. به هر حال، چنین به نظر می‌رسد که تداوم این بی‌هویتی دانشگاهی می‌تواند منجر به تداوم فساد آکادمیک شود و هویت بخشی به فعالیت‌های آکادمیک از اهم واجبات دانشگاهی است.

**سهم مشارکت نویسندگان:** در پژوهش حاضر نویسنده دوم، به عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. نویسنده اول در تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را برعهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسندگان سوم و چهارم، به عنوان اساتید مشاور اول و دوم پایان‌نامه، انجام شد.

**تضاد منافع:** نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

**منابع مالی:** پژوهش حاضر از هیچ موسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

**تشکر و قدردانی:** پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت کنندگان امکان‌پذیر نبود؛ بدینوسیله از کلیه مشارکت کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

## References

Abbas Zadegan, S. M. (2015). Corruption. Publisher of Cultural Research Office, Tehran. [Persian].

- Abbasi, A., Dosti, M., & Zaire, B. (2015). Ways of prevention and all kinds of scientific misconduct, *Communication Management in Sports Media*, 2(7), 55-61. [Persian]
- Ajaghi, R., Keyvan Ara, M., Sohrabi, M. & Papi, A. (2011). Pathological analysis of scientific fraud and theft based on a qualitative study. *Iranian Journal of Medical Education, Special Education Development and Health Promotion*. 3(2), 39-42. [Persian]
- Chen. S.. & Macfarlane. B. (2015). Academic integrity in China. *Handbook of Academic Integrity*, 99-105.
- Chen. S.. & Macfarlane. B. (2015). Academic integrity in China. *Handbook of Academic Integrity*, 99-105.
- Corruption at the macro level (Final Corruption Assessment Report, 2006, United States). [Persian].
- Creswell, J. W. (2014). *Research Design: Qualitative, Quantitative & mixed method approaches (fourth edition)*. Sage publications London: New Delhi.
- Creswell, J. W. (2012). *Educational research: planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research*. (Fourth edition). Pearson. Boston.
- Denisova-Schmidt. E.. Huber. M.. & Leontveva. E. (2016). On the development of students' attitudes towards corruption and cheating in Russian universities. *European Journal of Higher Education*, 6(2), 128-143.
- Dong, B., & Torgler, B. (2013). Causes of corruption: Evidence from China, *China Economic Review*, 26, 479-503.
- Dridi, M. (2014). Corruption and education: Empirical evidence. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 4, 476-493.
- Ejei, J. (2014). Social pathology with a look at pathology with a look at religions. Tehran: Samat Publications. [Persian]
- Faraskhah, M., & Ghani Rad, M. A. (2010). Investigating the role of scientific associations and academics in policy-making and evaluation of the country's scientific system, *Approach*, 41(3), 5-12. [Persian]
- Faraskhah, M., & Maniei, R. (2015). Factors Affecting Faculty Participation in Higher Education Policy and University Planning, *Quarterly Journal of Higher Education Research and Planning*, 20(4), 29-53. [Persian]
- Faraskhah, M. (2016). The Social Responsibility of Science, The Problem of Apparatus and the Third Place, The First Assembly of the Union of Social Science Associations of Universities Across the Country, University of Tehran, Faculty of Social Sciences, Ibn Khaldun Hall, Available at: <http://farasatkah.blogspot.com/1395/02/27/post-319>. [Persian].
- Faraskhah, M. (2013) Holding the first meeting of social critique of higher education policies and programs, *Social Science Month Book*, 69 (1),

89-96. [Persian]

Farjad, M. H. (1993). *Social pathology and sociology of deviations*. Tehran: Badr Publications. [Persian]

Forum, E. (1997). *Escape from freedom*. Translated by Ezatullah Fooladvand. Tehran: Morvarid Publications. [Persian]

George Ritters. (2001). *Sociological theory in contemporary times*. Translated by Mohsen Thalasi Tehran, Scientific Publications. [Persian]

Ghaedi, M. (2018). *The typology of scientific corruption and its relationship with science and technology policies in the field of humanities in Iran*. PhD Thesis in Management, Policy-Making, Science and Technology, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Mazandaran University. [Persian]

Ghaedi, M., Madhoushi, M., Razzaqi, N. & Safaei, A. H. (2018). Causes and causes of university corruption and its consequences. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 24(10), 135-113. [Persian]

Giddens, A., & Karen, B. (2020). *Sociology with a complete and up-to-date revision* (Translated by Hassan Chavoshian). Tehran: Ney Publishing, 2010. [Persian].

Heneman. S. (2011). The corruption of ethics in higher education. *International Higher Education*, 4(62), 8-9.

Heneman. S. P. (2004). Education and corruption. *International Journal of Educational Development*, 24(6), 637-648.

Hosseini Hashemzadeh, D. (2019). *University Corruption (Typology, Methodology, Causes, Consequences and Strategies to Combat It)*. Tehran Agah Publications, First Edition: [Persian].

Keller, M. (1978). *Corruption in America: Continuity and Change*. In A. Eisenstadt, A. Hoogenboom, and H. Trefousse (Eds.), *Before Watergate: Problems of Corruption in American Society*. Brooklyn, NY: Brooklyn College Press.

Khalfkhani, M. (2014). A Comparative Study of Government Support Methods for Private and Public Higher Education Systems, *Higher Education of Iran*, 5(4), 83-106. [Persian]

McCormack, D. C. (2012). The challenge of corruption in higher education: The case of Vietnam. ". *Asian Education and Development Studies*, Vol. 1 No. 3, pp. 262-275. <https://doi.org/10.1108/20463161211270482>.

Naseri, A., & Fathi, M. (2016). Investigating the factors affecting the tendency of senior students to plagiarism. *Empirical Accounting Research*, 28, 1-20. [Persian].

Nazarzadeh Zare, M., & Mohammadi, Sh. (2021). Nazarzadeh Zare, M., & Mohammadi, Sh. (2020). Recruiting Graduates of Insider at University: Challenge or Opportunity? *Journal of Science & Technology Policy*, 12(1), 91-104. {In Persian}.

- Osipian, A. (2007). Higher education corruption in Ukraine: Opinions and estimates. *International Higher Education*, 49, 21–22.
- Osipian, A. (2009 a). Corruption and reform in higher education in Ukraine. *Canadian and International Education Journal*, 38(2).
- Osipian, A. (2009 b). Corruption in the higher education industry: Legal cases in the context of change. *Paper presented at the Annual Conference of the University Council for Education Administration (UCEA), Anaheim, CA*.
- Osipian, A. (2009 c). Grey areas in the higher education sector finance: Illegality versus corruption. *Paper presented at the Annual Meeting of the American Education Finance Association (AEFA), Nashville, TN*.
- Osipian, A. (2009 d). Investigating corruption in American higher education: The methodology. *FedUni Journal of Higher Education*, 4(2), 49–81.
- Osipian, A. (2013 a). “Recruitment and admissions: fostering transparency on the path to higher education”, Global Corruption Report: *Education, Transparency International*, 148-155.
- Osipian, A. (2013 b). “Will bribery and fraud converge? Comparative corruption in higher education in Russia and the USA”, *Compare: A Journal of Comparative and International Education* 10.1080/03057925.2012.728374 Education, DOI.
- Otengho, S. J. (2016). *Government Official's Perspective on Regulatory Mechanisms to Mitigate Unabated Corruption in the Education Sector in Kenya: A Case Study* (Doctoral dissertation, Northcentral University).
- Pourezat, A. A., Gholipour, A., Heidari, E., & Saeedinejad, M. (2012). Identifying the effective factors and consequences of non-university behaviors among university professors. *Creative in Science and Technology*, Year 7(2), 1 -13. [Persian]
- Rayess, A., & Mansur, N. N. (2016). Favor reciprocation theory in education: New corruption typology, *International Journal of Educational Development*, 50, 20–32.
- Rob Stones. (2012). *Great sociological thinkers*. Translated by Mirdamadi, Mehrdad. Tehran, Markaz Publishing. [Persian]
- Sabic-El-Rayess, A., & Mansur, N. N. (2016). Favor reciprocation theory in education: New corruption typology, *International Journal of Educational Development*, 50, 20–32.
- Soodager, H., Purizat, A. A. (2012). University and Government; Reflections on Science Calligraphy, *Approach*, 14(53), 47-52. [Persian]
- Sotoudeh, H. (2017). *Social Pathology (Sociology of Deviations)*. Tehran, Avae Noor Publications. [Persian]
- Tavakol, M., & Naseri Rad, M. (2009). Scientific Theft by Explaining the Sociology of Science, *Journal of Ethics in Science and Technology*, 4(3, 4), 1-16. [Persian]

- Tierney, W. G., & Sabharwal, N. S. (2017). Academic corruption: Culture and trust in higher education. *International Journal of Educational Development*, 55, 30-40.
- Torsello, D., & Venard, B. (2016). The anthropology of corruption. *Journal of Management Inquiry*, 25(1), 34-54.
- Weitz, E., & Vardi, Y. (2004). Misbehavior in organizations (theory, research, and management). *London New Jersey: Lawrence Erlbaum associates*.
- Zamani, B. E., Azimi, S.A. & Soleimani, N. (2013). Identifying and prioritizing the factors affecting the scientific theft of students of the University of Isfahan, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 19(1), 91-101. [Persian]

